

زنان را در این سال‌ها محدود کردند

گفت‌وگو با: شیرین عبادی

اعتمادملی، ش ۹۴۱، ۱۳۸۸/۳/۲۱

چکیده: خانم شیرین عبادی معتقدند که وضعیت حقوق بشر در ایران در سال ۱۳۸۸ دچار مشکلاتی شده است. علاوه بر این، ایشان معتقدند که قوانینی که بعد از انقلاب به تصویب رسیده‌اند، براساس تبعیض جنسیتی (فمینیستی) شکل گرفته‌اند. ایشان برای ادعای خود، نصف بودن دیه زن نسبت به مرد و یا عدم پذیرش شهادت یک زن به تنهایی را مثال می‌آورند.

وضعیت حقوق بشر در سال ۱۳۸۸ یعنی سال جاری دچار مشکلاتی است و متأسفانه وضعیت مطلوبی ندارد. بر همین اساس است که گزارشی در آذر سال گذشته یعنی ۱۳۸۷ آقای بان‌کی مون دبیر کل سازمان ملل متحد به مجمع عمومی سازمان ملل متحد دادند و موارد تخلف ایران را از تعهدات بین‌المللی دقیقاً بیان کردند و بر همین اساس قطعنامه‌ای در مجمع عمومی سازمان ملل منتشر شد و بر همین مبنا دولت ایران ناقض حقوق بشر شناخته شد و به ایران توصیه شد که حقوق بشر را بیشتر رعایت کند و این مصوبه مجمع عمومی تأییدیه‌ای است بر صحت گفتار من. برای آنکه بدانیم مشکل و اعتراض مادر زمینه حقوق بشر چیست؛ مجبورم به اساس و بنیان این مسئله پردازم. ایران در سال ۱۳۵۴ به کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی و به کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی پیوسته و متعهد اجرای آن شده و براساس همین تعهداتی که قبول کرده است، مردم ایران از جمله من و سازمان‌های بین‌المللی از دولت ایران درخواست می‌کنند.

○ در چه مواردی بین عملکرد ملی و تعهدات بین المللی فاصله است؟

● در کنوانسیون‌هایی که ایران به آنها پیوسته و متعهد اجرای آنها شده، اینها مهم‌ترین پایه و اساس حقوق بشر هستند. مهم‌ترین اصل، نفی تبعیض، یعنی هر گونه تبعیض بر اساس جنسیت، قومیت، نژاد، جایگاه اقتصادی و اجتماعی ممنوع است، بنابراین مهم‌ترین ستون حقوق بشر در این کنوانسیون‌ها نفی هر گونه تبعیض است و حال اینکه در قوانینی که بعد از انقلاب به تصویب رسید، می‌بینیم تبعیض بر اساس فمینیست داریم؛ به عنوان مثال دیه زن نصف دیه مرد است و طبق قانون اگر مردی زنی را عمداً به قتل برساند، برای اینکه قاتل را قصاص بکنند، باید خانواده مقتوله نیمی از خون‌بهای قاتل را قبلاً به او بپردازند و بعد درخواست قصاص کنند. حال شما تصور بفرمایید که مردی سه زن را به قتل برساند، از هر کدام از آنها نیمی از خون‌بها را بگیرد تا بشود این مرد را قصاص کنند، آیا این با تعهدات بین‌المللی دولت ایران همخوانی دارد؟ به عنوان مثال اگر قتلی در مقابل چشمان من اتفاق بیفتد و من بروم به دادگاه، چون من یک زن هستم، حرف من شنیده نمی‌شود. اما پیرمردی که از نعمت سواد بی‌بهره است و هفته‌ای یک‌بار برای نظافت دفتر وکالت من مراجعه می‌کند، شهادت او را در دادگاه قبول می‌کند و اساس فقط جنسیت است برای پذیرش شهادت. آیا این با تعهدات بین‌المللی دولت ایران همخوانی دارد؟ متأسفانه این وضعیت و این قوانین از ابتدای تاسیس جمهوری اسلامی وجود داشته و هر وقت که زنان اعتراض کرده‌اند که ماهیت انسانی خود را می‌خواهیم، ما نیز انسان و برابر هستیم، کسانی که مخالف برابری انسان‌ها هستند به یک مسئله متمسک می‌شدند که اینها قوانین شریعت است و لایتنیر و حال اینکه این حرف درست نیست. مبنای شریعت مقدس اسلام کرامت انسانی است و در قرآن کریم همواره زن و مرد یکسان مورد خطاب قرار گرفته‌اند و تنها فضیلت در بین انسان‌ها در نزد خداوند، تقوای آنهاست.

○ آیا معیار و تعریفی برای تبعیض هست؟

● بله احتیاجی نیست که ما چرخ را دوباره اختراع کنیم. در سازمان ملل متحد بعد از چند سال کار توسط کارشناسان که از کشورهای مختلف و ادیان گوناگون دور هم جمع شده بودند، کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان به تصویب رسید. در این کنوانسیون انواع تبعیضاتی که بر زنان در سرتاسر جهان روا می‌دارند افشا شده و همه آنها مطرود اعلام شده. بنابراین من وقتی صحبت از دفع تبعیض از زنان می‌کنم، نگاهم نگاهی است که کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض از زنان دارد.

○ آیا دولت ایران به این کنوانسیون پیوسته است؟

● در زمان آقای خاتمی این کنوانسیون توسط ایشان با این شرط که هر کجا در تضاد با شریعت مقدس اسلام باشد و قابل اجرا نباشد، مورد توجه قرار گرفت و به همین صورت این کنوانسیون را به مجلس ششم که اکثریت آن اصلاح طلب بودند، بردند و به خاطر می آید که ریاست آن هم به عهده آقای کروبی بود. این کنوانسیون در مجلس ششم تصویب شد و جهت تأیید به شورای نگهبان رفت. شورای نگهبان این کنوانسیون را رد کرد و حتی به خاطر دارم که یکی از اعضای شورای نگهبان بعدها گفت بدترین روز عمر من روزی بود که این کنوانسیون به تصویب مجلس ششم رسید و این درد بزرگی است برای مردم ایران که مجلس ششم بخواهد به کنوانسیون رفع تبعیض از حقوق زنان رأی مثبت دهد.

○ سرنوشت کنوانسیون نهایتاً چه شد؟

● کنوانسیون به دنبال پافشاری مجلس ششم که اعتقاد داشت باید به کنوانسیون ملحق بشویم و حرف شورای نگهبان را قبول نکرد، برای حل اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت و از آن تاریخ تاکنون متأسفانه در بایگانی مجمع تشخیص مصلحت نظام باقی مانده و من امیدوارم که همت والای ایرانی باعث شود که کنوانسیون از بایگانی مجمع تشخیص مصلحت نظام بر روی میز آمده و مورد تصویب قرار گیرد.

○ حال که بحث کنوانسیون مطرح شد، در مورد هم‌گرایی جنبش زنان که شما از اعضا و پایه‌گذاران آن هستید؛ می‌خواستیم پرسیم که چرا اصلاً تمرکزش را بیشتر بر روی کنوانسیون قرار داده است؟ پذیرش کنوانسیون از طرف یک کاندیدای خاص، موجب به تصویب رسیدن آن می‌شود و یا اصلاً مطالبات زنان را به آن سطحی که می‌خواهند می‌برد؟ با توجه به اینکه خودتان فرمودید ما به کنوانسیون‌های دیگر مدنی، اجتماعی، حقوقی پیوستیم، ولی باز هم در اجرای قوانین حقوق مدنی در جامعه دچار مشکلیم.

● شما تا به کنوانسیون‌نی نپیونددید، نمی‌توانید مطالبات خودتان را عنوان بکنید، یعنی اگر دولت ایران به کنوانسیون‌های حقوق بشر پیوسته بود، هیچ وقت سازمان ملل با ایران کاری نداشت. ایران را محکوم نمی‌کرد و ایران را تحت فشار قرار نمی‌داد که حقوق بشر را رعایت کند و در داخل کشور نیز زبان ما بسته بود و نمی‌توانستیم بگوییم چرا حقوق بشر را رعایت نمی‌کنیم، اما پیوستن، به خواسته‌های ما و به ادعاهای ما این مشروعیت را می‌بخشد که ما از دولت بخواهیم به تعهدات بین‌المللی‌اش عمل کند و به سازمان ملل متحد این اجازه را

می‌دهد که یقه هر حکومتی را که پیوسته بگیرد و بگوید تو که پیوستی چرا عمل نمی‌کنی. بنابراین پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی گام اول است و به خودی خود رفع مشکل نمی‌کند، بلکه در راباز می‌کند که مدافعین حقوق بشر از آن در وارد شوند.

در زمینه حقوق زنان دو دیدگاه در مقابل هم قرار دارند، یک دیدگاه حمایتی از زن است که معتقد است زن را باید حمایت کرد، باید به او نفقه داد، باید او را در خانه نشانند تا آفتاب مهتاب رنگش را نبیند، به او محبت کرد و کار سخت، کار در کارخانجات و اداره‌جات به روح لطیف او صدمه می‌زند، این دیدگاه حمایت است؛ در مقابل یک دیدگاه هست که می‌گوید زن باید روی پای خودش بایستد و نباید مورد حمایت قرار گیرد، باید مثل یک مرد برای به دست آوردن حق خودش بجنگد و به او میدان فعالیت و جنگیدن داده شود. در هر دو دیدگاه جنبه‌تئوری هر دو معتقدند که زن محترم است، پس احترام زن در هر کدام از این دو دیدگاه کاملاً مشخص است. در یک دیدگاه می‌گویند چون زن خیلی محترم است، باید در خانه بنشیند و از او حمایت کرد. در دیدگاه دیگر می‌گوید زن خیلی محترم است و به همین دلیل باید قوی بشود تا بتواند مثل یک مرد حق خودش را بگیرد.

● اشاره

نادر افغری بناب

در رابطه با مطالب طرح شده توسط خانم عبادی نکات قابل تأملی وجود دارد که در ذیل به بعضی از آنها اشاره‌ای می‌شود:

۱. خانم شیرین عبادی مدعی هستند که وضعیت حقوق بشر در سال ۱۳۸۸ به زعم ایشان دچار مشکلاتی گردیده است، ولی مشخص نمی‌کنند که چه اتفاق جدیدی در سال ۱۳۸۸ در ایران روی داده است که باعث گردیده که ایشان فکر کنند وضعیت حقوق بشر به گفته ایشان دچار مشکلاتی شده، اگر منظور ایشان صدور قطعنامه در مجمع عمومی سازمان ملل علیه وضعیت حقوق بشر در ایران باشد، که این مسئله اتفاق تازه‌ای به‌شمار نمی‌آید، که بخواهیم آن را مربوط به دولت به‌خصوصی بدانیم. زیرا همان‌طور که خود ایشان نیز مطمئناً مطلع می‌باشند، این امر در طی سی سال حیات انقلاب اسلامی به کرات اتفاق افتاده است. به این دلیل که مواردی که غالباً این سازمان‌ها، جمهوری اسلامی ایران را به نقض آنها محکوم می‌کنند، مواردی است که براساس آموزه‌های دینی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران به‌وجود آمده‌اند و همچنان هم دوام دارند. به‌عنوان نمونه بحث دیه زنان، ارث زنان، شهادت زنان، و مسائل دیگری که همگی ریشه در بنیان‌های فکری جمهوری اسلامی که همانا اسلام می‌باشد دارند. و جزئی

بازتاب اندیشه ۱۰۹۱۱۳

۱۶۶

زنان را در
این سال‌ها
محدود کردند

از باورهای دینی مردم ایران را تشکیل می‌دهند.

۲. هر چند دولت قبل از انقلاب اسلامی به اجرای میثاق‌های حقوق بشری ملحق شده و در مجلس سنا به تصویب رسانده است، ولی براساس قانون اساسی فعلی کشور، کلیه قوانین و مقررات حاکم در جمهوری اسلامی ایران اعم از قوانین مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی و... باید براساس موازین اسلامی باشد و این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است.^۱

۳. اما در ارتباط با مسائلی که از دید خانم عبادی مصادیقی از تبعیض جنسیتی علیه زنان شمرده شده‌اند باید گفت:

اولاً: همان‌طور که ایشان نیز بیان کرده‌اند، مبنای شریعت مقدس اسلام کرامت انسانی است و در موارد زیادی نیز قرآن کریم انسان را مخاطب قرار داده است. «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة...»^۲ این خود نشانگر این است که هدف اصلی آیات الاهی و شریعت مقدس، همان حقیقت آدمی و انسانیت اوست. و جنسیت موضوعیتی ندارد و هیچ‌گاه تفاوت‌های حقوقی و حکمی، بر وجود تفاوت در هویت انسانی «جنس زن» و «جنس مرد» دلالت نمی‌کند.

پس بی‌شک اگر تفاوت‌هایی در بعضی از مسائل مربوط به زنان و مردان دیده می‌شود، ناشی از نگاه تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز اسلام به زن نیست؛ زیرا همان‌طور که گفته شد، زن و مرد در انسانیت، منزلت، شخصیت انسانی و معیارهای فضیلت مساوی‌اند. از دیدگاه اسلام زن، دارای کرامت است و ارزش معنوی او بسیار بالاست. بر این معنا آیات بسیاری از جمله آیه ۲۵ سوره احزاب، ۱۲۴ نساء و... دلالت دارد. از این روی زن مسلمان از کلیه مواهب اجتماعی زندگی برخوردار بوده و می‌تواند در کلیه چهارچوب قوانین و موازین اسلام در تمام شئون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فعالیت نماید و از امنیت اجتماعی لازم نیز برخوردار باشد.

به نظر می‌رسد در بحث حقوق زن، اگر تفاوت زن و مرد در بعد جسمی و روحی به نحو تعیین‌کننده‌ای مورد قبول واقع شود، درک اختلاف در حقوق و وظایف آنها آسان خواهد شد. واقعیت آن است که بین زن و مرد تفاوت‌هایی وجود دارد. انکار این امر، انکار امری وجدانی و بدیهی است. با این حال این تفاوت‌ها به هیچ‌وجه به برتری یا پستی یکی از دو جنس زن و مرد نمی‌انجامد.

«از نظر اسلام زن و مرد تساوی حقوقی دارند ولی تشابه حقوقی ندارند. تساوی برابری است و تشابه یکنواختی. اسلام اصل مساوات انسان‌ها را درباره زن و مرد نیز

۱. اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸.

۲. نساء (۴)؛ ۱.

رعایت کرده است. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، با تشابه حقوق آنها مخالف است»^۱.

ثانیاً: با ذکر این مقدمه به فلسفه و تبیین عقلی بعضی از احکام در مورد زنان می‌پردازیم که به زعم خانم عبادی جزو مصادیق تبعیض جنسیتی در قوانین ما می‌باشند.

الف) تفاوت زن و مرد در مقدار دیه؛

نباید فراموش کرد که دیه به معنای بها و قیمت شخص نیست تا تفاوت در آن به معنای اختلاف ارزش میان دو انسان باشد. نفس انسانی بی‌قیمت است. قرآن کریم قتل یک انسان بی‌گناه را مانند کشتار تمامی انسان‌ها می‌داند.^۲

بنابراین اگر اسلام، دیه شخصی را کم‌تر از دیگری قرار داده است، این در مقام ارزش‌گذاری انسان‌ها و شخصیت آنها نیست. در مورد حکمت تفاوت دیه زن و مرد می‌توان گفت: به دلیل وظیفه مهمی که به طور معمول مردان در اقتصاد خانواده و اداره آن برعهده دارند، خسارتی که با فقدان یک مرد متوجه کیان خانواده می‌شود، اغلب در مواردی بیشتر از خسارتی است که با فقدان یک زن پیش می‌آید. در واقع دیه در قبال توانایی جسمانی است نه ارزش روحی و معنوی.

ب) عدم پذیرش شهادت یک زن به تنهایی؛

«شهادت زنان در ادعای جنسیت‌ها نوعی حق و امتیاز دانسته شد و گویی اگر این امر محدود شود، زن از حق مسلم خود محروم شده است. بی‌اساسی این پیش‌فرض اساس شبیه را از بین می‌برد».

شهادت یک تکلیف است نه یک حق. برای تعریف «شهادت»، «حق» و «تکلیف» به اختصار می‌توان گفت: شهادت یا گواهی عبارت است از اخبار شخصی از امری به نفع یکی از طرفین دعوی و به زیان دیگری، و حق امری است اعتباری که برای کسی (له) و بر دیگری (علیه) وضع می‌شود. و تکلیف عبارت است از امری که فرد ملزم به انجام آن می‌باشد و هر گاه برخلاف آن رفتار نماید، به جزایی که شایسته آن امر است، دچار می‌گردد.

پس گواهی دادن برای شاهد، تکلیف است نه حق، چرا که شاهد در صورت لزوم باید در دادگاه حاضر شود و شهادت دهد و کتمان شهادت در بسیاری موارد جرم محسوب می‌شود و جریمه دارد. از سوی دیگر تحمل شهادت یا حاضر شدن در محل واقعه در صورت دعوت از شاهد واجب است؛ ولی برای شاهد نفع مادی مورد نظر نیست. و قابل نقل و انتقال و اسقاط نیز نمی‌باشد. علاوه بر این، شهادت دروغ یا برگشت از شهادت، دارای

۱. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، چاپ ۲۵، اسفند ۱۳۷۷، ص ۱۱۵.

۲. مانده (۵)؛ ۳۲.

عواقب و تبعاتی است. همه این علائم حاکی از آن است که شهادت دادن از دیدگاه فقه و حقوق ما و حتی سایر کشورهای جهان در زمره تکالیف است نه حقوق و امتیازات. بنابراین عدم پذیرش شهادت زنان در بعضی موارد محرومیت از حق و تبعیض جنسیتی نیست، بلکه «معافیت از تکلیف» است. و موارد محدودیت یا شرط تعدد و ضمیمه شدن با مردان، همه به مصلحت جامعه و در جهت حمایت از زنان است.

۴. اما در رابطه با کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، باید گفت: همان طور که خانم عبادی نیز تصریح کرده‌اند، این کنوانسیون با این شرط در مجلس ششم به تصویب رسید که «هر کجا در تضاد با شریعت مقدس اسلام باشد، اجرا نخواهد شد.» اما همان طور که اکثر مراجع و علمای صاحب نظر در امور اسلامی، اذعان کرده‌اند؛ می‌توان گفت: قریب به اتفاق مواد این کنوانسیون با احکام اسلامی در تضاد آشکاری است و الحاق به آن دارای چنان تبعاتی برای نظام ج.ا.ا است که به اعتقاد دلسوزان نظام اسلامی همان بهتر که به آن ملحق نشویم؛ چنان که خانم عبادی نیز به درستی اذعان کرده‌اند، پیوست به این کنوانسیون ج.ا.ا را در معرض بازخواست مجامع بین‌المللی و NGOهای داخلی قرار می‌دهد و باعث افزایش تعهدات بین‌المللی کشور می‌شود و قوانین داخلی کشور را که ریشه در فقه اسلامی دارد در معرض اتهام قرار می‌دهد.^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود: دیدگاههای فقهی در خصوص عهدنامه محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، تدوین: مرکز تحقیقات قوه قضائیه، تابستان ۱۳۷۷.